

بررسی جایگاه و نقش اصل حسن نیت در حقوق کیفری

سیددُرید موسوی مجاب*

چکیده

حسن نیت به عنوان یک اصل کلی حقوقی، در همه شاخه‌های علم حقوق از موقعیت ممتاز و ویژه‌ای برخوردار است. امروزه در قوانین بسیاری از کشورها به شکل صریح یا ضمنی به این اصل پایه اشاره شده است. البته در حقوق کیفری، برخلاف دیگر حوزه‌های حقوقی و به ویژه حقوق خصوصی، حسن نیت مفهومی کمتر شناخته شده و در عمل مغفول برای بسیاری از نویسندگان و پژوهشگران بوده است. در ادبیات حقوق کیفری ایران و در مقایسه با کشورهای غربی و عربی، اصل حسن نیت به درستی تبیین نشده است. اگرچه قانون‌گذار به طور ضمنی در برخی حوزه‌ها از جمله معاذیر قانونی، کیفیات مخففه و اسباب اباحه رفتار ارتكابی به حسن نیت توجه داشته، اما به صراحت به این مفهوم اشاره‌ای نداشته است؛ ضمن آنکه ضوابط شناسایی حسن نیت و سنجه‌های تشخیص آن نیز روشن نگردیده است. تنها بر اساس دکترین حقوقی، برخی از مقام‌های قضایی ضمن انشای رأی و در مقام توجیه چرایی تعدیل یا تبدیل عنوان اتهامی و نیز تغییر نوع و میزان واکنش کیفری به حسن نیت مرتکب توجه می‌کنند. در نظریه عمومی جرم، حسن نیت حول محور قصد مرتکب معنا می‌یابد و به طور خاص در ارتباط با تقصیر جزایی، اثر خود را آشکار می‌سازد؛ به گونه‌ای که با اثبات نبود سوء نیت، حسن نیت شخص در مقام اجرا یا استعمال حق مورد دفاع واقع می‌شود. روش تحقیق در این پژوهش، توصیفی-تحلیلی و در عین حال تطبیقی است و از ابزار کتابخانه برای گردآوری مطالب استفاده شده است.

واژگان کلیدی: اصل حسن نیت، حقوق کیفری، دکترین حقوقی، قصد، تقصیر جزایی

مقدمه

اصطلاح «حسن نیت»^۱ در قوانین و مقررات موضوعه بسیاری از کشورهای غربی و عربی به کار رفته است؛ لیکن در هیچ‌یک از آن‌ها به شکل صریح و روشن تعریف نشده است.^۲ در این ارتباط تنها نیت به مثابه اراده ارتکاب جرم، حسب تعریف قانونی مورد توجه واقع شده است.^۳ حسن نیت در زمره آن دسته از مفاهیم اخلاقی است که به عرصه حقوق وارد شده است. البته در مقایسه با حقوق دانان، منطق دانان و فلاسفه، بسیار پیش‌تر با مفهوم حسن نیت به مثابه اماره سروکار داشته‌اند و بینش ایشان نسبت به این موضوع، گران‌بهاست. از آنجا که اغلب مفاهیم به حوزه منطق ارتباط می‌یابند و ارتباط منطق با فلسفه نیز از دیرگاه غیرقابل‌کتمان بوده است، می‌توان اذعان داشت که پژوهش‌های آغازین در زمینه مفهوم و مدلول حسن نیت به یونان قدیم بازمی‌گردد. برابر نهاد کنونی حسن نیت در زبان یونانی^۴، در بادی نظر^۵ است. اصولاً آنچه در نگاه اول به ذهن خطور می‌کند، نیکی و درستی است. مفهوم حسن نیت، در آثار بسیاری از فلاسفه برجسته یونان قدیم از جمله ارسطو پدیدار بوده است؛ برای نمونه، ارسطو استدلال می‌کند که اطلاعات حاصله از رهگذر حواس پنج‌گانه، در بادی نظر (در نگاه آغازین) صحیح است؛ اما با آشکار شدن این حقیقت که ذهن به گونه‌ای نادرست یا بد اطلاعات را دریافته، این صحت می‌تواند رد شود (Nils Herlitz, 1994: 391). بعدها اصطلاح حسن نیت، در آثار پژوهشگران رومی و قرون وسطایی پدیدار شد. این اصطلاح در آثار مذکور نیز ابتدا در معنای تحت‌اللفظی «در بادی نظر» استعمال می‌شد؛ تعبیر دیرستس^۶ در این زمینه شایان توجه است: «آنگاه که در بادی نظر شیء متعلق به دیگری است، انسان صادقانه بر اساس صحت ظن خود متقاعد می‌شود که این تعلق، برخاسته از یک تعهد است» (Nils Herlitz, 1994: 392). کم‌کم، معنای نیک‌انگاری یا خوش‌پنداری مصطلح شد.

حسن نیت با آنکه در شاخه‌های مختلف حقوقی از جمله حقوق بین‌المللی، حقوق قراردادها، حقوق تجارت و به‌ویژه حقوق مدنی از جایگاه شناخته‌شده‌ای برخوردار است، لیکن در ادبیات

1. Prima facie

۲. برخی معتقدند علت عدم ارائه تعریف صریح و روشن از حسن نیت، قصور قانون‌گذار یا دکترین نیست؛ بلکه برخی مفاهیم، بی‌نیاز از تعریف‌اند (انصاری، ۱۳۸۴: ۱۹).

۳. در این زمینه نک: مواد ۱۸۸ و ۱۸۷ قانون مجازات کشور لبنان و سوریه (النیه، اراده ارتکاب الجریمة علی ما عرفها القانون).

4. ex πρώτη οψεωζ

5. on/at viewing

6. Digests

حقوق کیفری برخی کشورها همچون ایران مورد توجه بایسته قرار نگرفته است. با آنکه نقش حسن نیت به مثابه یک اصل کلی حقوقی^۱ در نظام دادرسی کیفری بر کسی پوشیده نیست، اما کم توجهی قانون‌گذار به این اصل پایه موجب شده که در روند رسیدگی‌های کیفری، مقام‌های قضایی به نحو مقتضی به اصل یاد شده التفات نمایند. از این حیث، قصور قانون‌گذار کیفری در اهتمام به مفهوم حسن نیت، غیر قابل توجیه به نظر می‌رسد. در دکتترین حقوق کیفری و در چهارچوب نظریه عمومی جرم (در ارتباط با ارکان سه‌گانه جرم)، حسن نیت به شکل مناسب، مجال طرح نیافته است. آنچه در ابتدا از حسن نیت و معنای کلی آن به ذهن متبادر می‌شود، مقوله‌ای کیفی و نفسانی است که حاکی از نیک‌پنداری، باور به صحت عمل، خواست خیرخواهانه و نبود هرگونه بداندیشی یا طرحی برای اغوا یا اغفال دیگری از سوی متهم یا مجرم است. در حقوق کیفری، حسن نیت شخص بر روند دادرسی و در نتیجه نوع و شیوه واکنش کیفری اثرگذار است. اگرچه نقطه مقابل حسن نیت، یعنی سوءنیت (دهخدا، ۱۳۷۶/۶: ۷۸۶۷) یا به تعبیری عزم ناروای فعلی یا غایی شخص در جهت مغایر با خواست قانون‌گذار در قلمرو رکن روانی جرایم و به‌ویژه جرایم عمدی مطمح نظر واقع می‌شود، لیکن حسن نیت، به گواهی آثار موجود، از موقعیت مشخصی در گستره ادبیات حقوق کیفری برخوردار نیست. با کمی بررسی می‌توان دریافت در هیچ‌یک از کتاب‌های حقوق کیفری، مجال مستقل و معینی به طرح بایسته موضوع اختصاص نیافته است. با این وجود، نقش و اثر حسن نیت فرد در حوزه‌های متعددی از جمله علل موجه رفتار ارتكابی، معاذیر قانونی و کیفیات مخففه نباید نادیده انگاشته شود. مقام قضایی نیز در جریان اخذ تصمیم، چه در خصوص صدور قرار یا صدور حکم، باید بدون پیش‌انگاشت یا پیش‌داشت فکری و به واقع بر اساس حسن نیت اقدام نماید.

امروزه، اصل حسن نیت در روند رسیدگی‌های حقوقی از جایگاه مهمی برخوردار شده و از یک فضیلت اخلاقی، به یک ضرورت حقوقی مبدل شده است. رعایت اصل حسن نیت زمانی اهمیت می‌یابد که در رسیدگی به برخی جرایم، همچون جرایم اقتصادی و امنیتی، دیدگاه‌های خاص و فراقانونی حاکم باشد. در اینجاست که انتظار می‌رود مقام قضایی بر پایه اصل حسن نیت در مسیر اجتهاد قضایی گام بردارد.

حسن نیت یکی از اصول دادرسی مشترک در نظام حقوق دادرسی تلقی می‌شود. حسن نیت، هم

1. Good Faith as a general legal principle/les généraux du droit

۲. اصول کلی حقوقی در معنای اصطلاحی احکامی فراگیر، دائمی و الزامی اند که مبنای حقوق موضوعه و از مستقلات عقلی‌اند. اصول یاد شده، به منظور تضمین حقوق بنیادی و سعادت انسان‌ها ضروری‌اند و نقش هدایتگرانه‌ای در قانونگذاری و دادرسی دارند (حیاتی، ۱۳۹۷: ۲۳-۱۹).

مبنای بسیاری از اصول و قواعد دادرسی است و هم اینکه ابزاری برای اخلاقی کردن قوانین موجود است. در حقوق دادرسی که اصول بنیادین متعددی در طول هم قرار دارند، می‌توان گفت بسیاری از اصول و قواعد در حسن نیت ریشه دارند. بسیاری از حقوق دفاعی متهم نیز محصول فرض بی‌گناهی و حسن نیت اوست.

شناسایی موقعیت اصل حسن نیت در فرایند دادرسی کیفری و حاکمیت فرض برائت بر جریان دادرسی و پایبندی مقام‌های قضایی به اصول دادرسی منصفانه می‌تواند پیامدهای مثبتی در پی داشته باشد که از آن جمله می‌توان به کاهش حجم پرونده‌های قضایی، کاهش جمعیت محکومان و زندانیان و نیز کاهش بار اقتصادی در نظام عدالت کیفری اشاره نمود.

آنگاه که دادگاه ویژه‌ای با سازوکار خاصی تشکیل و در آن از یک‌سری قواعد و ضوابط عمومی عدول می‌شود، مقام قضایی - که تحت تأثیر تفکر کلیشه‌ای قرار دارد - هنگامی که با متهم مواجه می‌شود، ممکن است بدون توجه به واقعیت‌های پرونده و تنها بر اساس ذهنیت و باور کلیشه‌ای خود، اعمال متهم را واجد خصیصه سوء و مجرمانه تشخیص دهد و به قضاوت بنشیند. این در حالی است که بی‌طرفی مقام قاضی، مستلزم عدم پیش‌داوری و سوگیری است. مقام قضایی نباید به خود اجازه دهد که تحت تأثیر متغیرهای فراقانونی همچون احساسات عمومی، موج تبلیغات رسانه‌ای و حتی گرایش‌های درونی همچون تمایلات عاطفی، تعلقات خانوادگی، قومی، نژادی، عقیدتی و غیر آن قرار گیرد؛ بلکه ضروری است نظر و رأی خود را با حسن نیت و بر مبنای استدلال حقوقی استوار سازد. نص‌گرایی یا نص‌بستگی نیز که ناظر به نوعی روش معطوف به تحصیل معرفت با تکیه بر اعتبار و حجیت نصوص و ممانعت از برداشت‌های عقلی است (الماسی و واعظی، ۱۴۰۱: ۲)، با غفلت از اصل حسن نیت، به چالشی در مسیر اجتهاد قضایی بدل می‌شود. نادیده‌انگاری اصل حسن نیت در جریان دادرسی کیفری، به استبداد، خودسری و دوری مقام قضایی از موضع عدالت و انصاف می‌انجامد. در جنب فضیلت‌های قضایی و اخلاقی - از جمله بهره‌مندی از دانش حقوقی، شجاعت حقوقی، خویش‌داری، استقلال، بی‌طرفی و شفقت‌ورزی - پایبندی به این اصل را می‌توان به‌منزله یک فضیلت فکری و شاخص شایستگی تصدی منصب قضا انگاشت.

از ویژگی‌های بارز قاضی فضیلت‌مند، تقید و تعهد وی به اصل حسن نیت است. این اصل، در جریان ارزیابی دلایل و تعیین کفایت آن‌ها، شیوه تحصیل آن‌ها، در تفسیر قانون و نیز آزادی عمل در تعیین مجازات در دامنه متغیر قانونی نقش مهمی ایفا می‌کند. باور فکری مقام قضایی باید پایبندی

به اصل حسن نیت باشد. بی جهت نیست که گفته می‌شود «کیستی قاضی» از «چیستی قانون» کم‌اهمیت‌تر نیست. اگر قدرت قضایی به دست قاضی فضیلت‌مند بیافتد، محتمل‌تر است که وی به سمت عدالت و انصاف جهت بگیرد (سمایی و همکاران، ۱۴۰۱: ۵۱ و ۵۵).

نگاه سیستمی^۱ به فرایند کیفری و تأکید بر مدیریت‌گرایی^۲ صرف در این زمینه، جایی برای رویکرد ترحم‌مآبانه، مهرورزانه و مبتنی بر شفقت^۳ در جریان دادرسی کیفری قائل نمی‌شود. رویکرد قضایی شفقت‌محور به عنوان رویکردی که به احساس بزه‌دیده/بزه‌کار و سواد هیجانی مقام قضایی بی‌توجه نیست، نافی نگاه بدبینانه، سخت‌گیرانه و سرکوبگر است. اقتضای چنین رویکردی قبل از هر چیز، حسن نیت مقام قضایی و تلاش وی در کاربست نهادهای ارفاقی یا سایر راهبردهای غیرکیفری است. رویکرد شفقت‌محور که در حال حاضر در گفتمان قانونی و قضایی بسیاری از کشورها و به‌ویژه در ارتباط با دادگاه‌های حل مسئله^۴ با تأکید بر پارادایم عدالت ترمیمی رایج است، از رهگذر توجه به افکار، دغدغه‌ها و نیازهای طرف‌های دعوی، آرمان اصلاح و درمان یا شرمساری بازپذیرنده را دنبال می‌کند (Knight & Others, 2014: 45-47).

در ایران، کاربرد حسن نیت در حقوق کیفری، کم‌رنگ است. در آثار موجود در عرصه علوم جنایی حقوقی (هنجاری)، خواه شکلی یا ماهوی، سرفصل مشخصی تحت عنوان اصل حسن نیت یا حسن نیت به چشم نمی‌خورد. گویی آنچه در حقوق کیفری و حول محور کنش و واکنش روانی نقش محوری یافته، سوءنیت فعلی یا غایی (سوءنیت عام در عموم جرایم و سوءنیت خاص در جرایم عمدی) است. شاید بتوان دلیل عمده این کم‌رنگی را در این حقیقت جست‌وجو کرد که بنیان مفهوم حسن نیت در حقوق خصوصی است. در حقوق کیفری، حسن نیت فاقد همتای هنجاری در نظریه عمومی جرم است؛ لذا ممکن نیست بتوان حسن نیت را شکل متبلور رکن روانی جرم انگاشت. ضمن آنکه، حسن نیت را نمی‌توان بدیل قصد انگاشت؛ زیرا قصد، اراده جهت‌یافته مرتکب به سوی هدف

۱. در رویکرد مدیریت‌گرایی، عملکرد نهادهای متولی رسیدگی به جرم از کشف جرم تا اجرای احکام کیفری، این نظام را به یک سیستم متشکل از اجزای به‌هم‌پیوسته و روابط بین اجزا تقلیل می‌دهد. چنین سیستمی از ورودی‌ها، خروجی‌ها، فرایند، بازخورد و محیط سیستم تشکیل می‌شود و تمامی مراحل و افراد دخیل در این فرایند به مثابه ورودی و خروجی در نظر گرفته می‌شوند که تحت مدیریت کنشگران نظام عدالت کیفری از ابتدا تا انتهای فرایند را به‌مثابه نوعی کارخانه یا ماشین طی می‌کنند و از سیستم خارج می‌شوند، فارغ از اینکه جنبه انسانی و وجودی آنها از جمله افکار، شناخت‌ها، هیجانات و احساسات در نظر گرفته شود (قاسمی کهریزکی، ۱۳۹۴: ۴۵).

2. Managerialism

3. Compassion based Approach

4. Problem Solving Courts (PSC)

عینی یا مطلوب است و بدیهی است که معنا و کارکرد متمایزی از مفهوم حسن نیت دارد. همچنان که حسن نیت مفهومی متمایز از انگیزه است. انگیزه عبارت است از داعی (دعوت کننده) یا هدف غایی یا نهایی از ارتکاب جرم که از حیث وجود ذهنی در ابتدای فرایند محرمانه است.

به هر رو حسن نیت، معمولاً یک مفهوم مهجور در دانشنامه‌های حقوق کیفری است. لزوم بررسی مفهوم حسن نیت از منظر حقوق کیفری، عمدتاً در نتیجه آرای مشخصی از سوی دادگاه‌های عالی است که شامل مدلول حسن نیت است. البته استفاده از کلیدواژه حسن نیت به جای واژه قصد در برخی تصمیم‌های قضایی، در عمل از وجود یک معضل اصطلاح‌شناختی حکایت دارد. اینکه آیا مفهوم حسن نیت در حقوق کیفری دارای کارکرد معینی است یا خیر، موضوع مهمی تلقی می‌شود. دو اصل قانونمندی و تفسیر مضیق نصوص در حقوق کیفری واجد اعتبار می‌باشند و از این حیث، قواعد تفسیر در جهت اثبات حسن نیت به سختی اعمال می‌شوند؛ با این وجود در جریان برخی دادرسی‌های کیفری در مرحله فرجام‌خواهی، استنباط می‌شود که در جای‌دهی مفهوم حسن نیت در چهارچوب نظریه عمومی جرم و شناسایی کارکرد آن تلاش می‌شود (Yaşar & İçer, 2019: 255-256). بر این پایه و به منظور شناخت ماهیت، اهمیت و نیز نهادینه‌سازی موقعیت حسن نیت در گفتمان قانونی و قضایی، ابتدا چهارچوب مفهومی موضوع تبیین می‌شود.

۱. چهارچوب مفهومی و نظری پژوهش

حُسن در زبان عربی، ضدُّ قُبْح و نقیض آن است^۱. احسان ضدُّ إساءه است و حَسَنه، ضدُّ سَیِّئه و مَحاسن - جمع حُسن - نیز ضدُّ مَساوئ (معایب) است؛ چنانچه گفته شود «مَساوئُهُ کثیرَةٌ» به این معنی است که معایب و نقایص او بسیار است. حُسن در لغت به معنای زیبایی است (ابن منظور، ۱۹۶۸: ۱۱۴). اگر گفته شود «حَسَنَ الشَّیِّ تحسیناً» به این معنی است که شیء را به بهترین شکل زینت بخشید یا نیکو گرداند (غالب، ۲۰۰۳: ۵۳۳). نیت - از ریشه نَوی، یَنوی - اشتقاق یافته و به معنی قصد و عزم بر انجام کاری است و ناظر بر جهت‌دهی نفس به انجام رفتار است. نیت، همچنین به معنی روح عمل آمده است. به اعتبار صحت نیت، رفتار صحیح و با فساد آن، فاسد است. به این دلیل پیامبر اکرم (ص) فرموده‌اند: «همانا صحت اعمال به نیت است و هر کس به اعتبار آنچه قصد نموده، نتیجه می‌گیرد» (المجلسی، ۲۰۰۳: ۲۱۱).

حُسن نیت - در قالب ترکیب اضافی - مقوله‌ای نامحسوس و انتزاعی است و بدون معنای

۱. واژه «حُسن» و مشتقات آن علاوه بر سنت شریفه نبوی، در آیات متعددی از سوره‌های قرآن کریم آمده است که از آن جمله: الأنبياء: ۱۰۱، الأنعام: ۱۶۰، الإسراء: ۷ و البقره: ۲۲۵.

اصطلاحی یا تعریف قانونی، شامل باور درست و صادقانه، فقد طرح فریب یا دنبال نمودن یک امتیاز مغایر با وجدان یا نامشروع است. البته این مفهوم، مربوط به عالم ذهن و کیفیتی معرفت‌النفسی است و قطعاً فقط با مدعیات شخص آشکار نمی‌گردد. در رویه قضایی، حسن نیت مبین حالت ذهنی دلالت‌کننده بر وفاداری نسبت به وظیفه یا تعهد در یک شخص است (Campbell Black, 1990: 353). به طور کلی، حسن نیت فقط یک حالت فکری (صداقت) را تبیین نمی‌کند؛ بلکه تحقق آن مستلزم یک رفتار فعال و مثبت است. مجلس اعیان انگلستان، حسن نیت را یک رفتار منصفانه، آشکار و بدون هرگونه پنهان‌کاری توصیف کرده است (Treitel, 2003: 273).

حسن نیت به عنوان مفهومی که ریشه در حقوق رومن دارد، در اصطلاح حقوقی ناظر بر باور درست و اراده در پایبندی به هنجارهای قانونی است (لطیف مطهر الزبیدی، ۲۰۰۹: ۴۰۸). حسن نیت از حیث لغوی، به واژه رومی "bona fides" بازمی‌گردد^۱ و بیش از آنکه واجد مدلول حقوقی باشد، دارای مفهوم دینی و اخلاقی است (عبدالمیر مظلوم الخزرجی، ۲۰۱۴: ۱۷۵). فردی که دارای حسن نیت است، از قانون‌شکنی پرهیز می‌کند (کورتو، ۱۹۹۸: ۶۸۳).

برخی حقوق‌دانان، حسن نیت را به منتفی بودن قصد مجرمانه تعریف کرده‌اند؛ چه آنکه، قصد مجرمانه به اراده جهت‌یافته به مخالفت با قانون از رهگذر تعدی یا تجاوز به حقوق مورد حمایت قانون‌گذار تعبیر می‌شود؛ بنابراین هر فردی که چنین اراده‌ای نداشته باشد، یعنی قصد مخالفت با قانون یا تجاوز به حقی نداشته باشد، فاقد سوءنیت است و در حقیقت، دارای حسن نیت است^۲ (نجیب حسنی، ۱۹۶۲: ۹۰). شاید بتوان گفت اصل حسن نیت در حقوق کیفری، ناظر بر قصد پایبندی به جوانب مشخص شده‌ای است که قانون‌گذار رعایت آن‌ها را ضروری دانسته است.

در حقوق کیفری، بنیادی‌ترین عنصر مقوم جرم عمدی، سوءنیت - بر دو وجه عام و خاص - است؛ فقدان سوءنیت^۳، دلیل عمده عدم مسئولیت افراد در قبال افعال و اقوال است. با نبود سوءنیت، جرم محقق نمی‌شود. در جرایم عمدی، رکن روانی (فعل و انفعال ذهنی مرتکب) متضمن اجزا و عناصر متعددی است که جمع بودن همه آن‌ها «حسب مورد» در هر جرم، ضروری است؛ یکی از

۱. حسن نیت در حقوق آلمان تحت عنوان "Treu und Glauben" و در ایتالیا با نام "buona fede" و در نظام حقوقی کشورهای انگلیسی‌زبان تحت عنوان "Good faith" شناخته می‌شود.

۲. نقدی که به این نظر وارد است آنکه نبود سوءنیت، لزوماً به معنای وجود حسن نیت نیست؛ چه، شخص ممکن است لاقضاء نسبت به خصیصه حسن و سوء «نیت»، اقدامی را صورت دهد. ضمن آنکه چنین تمایزی جز در سایه تفکیک مفهوم انگیزه از نیت، صحیح نمی‌نماید.

3. Malice

عناصر در تحلیل رکن روانی، سوءنیت یا اندیشه خلاف قانون است (آزمایش، ۸۱-۱۳۸۰: ۱۱-۱۰). سوءنیت یا ناظر بر نفس عمل ارتكابی است که اصطلاحاً از آن به سوءنیت عام تعبیر می‌شود و در عموم جرایم، خواه عمدی یا غیرعمدی، مشترک است؛ یا اینکه بر عنصر نتیجه از رکن مادی جرم تعلق می‌گیرد که در اصطلاح سوءنیت خاص خوانده می‌شود. به هر رو، با فقدان این عنصر اساسی و خلل به رکن روانی، جرم محقق نمی‌شود. با توجه به این مطلب، ماده ۴۱ قانون مطبوعات فرانسه^۱، علاوه بر اینکه در بند اول خود سخنرانی‌ها، گزارش‌ها و بحث‌های انجام گرفته در صحن مجلس شورای ملی یا مجلس سنا را مشمول اقدامات قضایی نمی‌داند، در بند دوم به صراحت مقرر می‌دارد: «ارائه گزارش جلسات عمومی مجالس قانون‌گذاری ... برای چاپ در روزنامه‌ها که با حسن نیت انجام پذیرفته است، باعث هیچ شکایت و تعقیبی نخواهد شد»^۲. در ایران نیز در آرای مختلف محاکم و نظریه‌های مشورتی در مورد جرایم گفتاری، قصد مجرمانه یا سوءنیت از عناصر اساسی رکن روانی شناخته شده است (مصلاهی، ۱۳۷۹: ۴۰۰).

در قلمرو حقوق کیفری، حسن نیت در حوزه‌های مختلفی مجال شرح و بسط می‌یابد که از آن جمله معاذیر قانونی، اسباب اباحت رفتار ارتكابی و موجبات تخفیف مجازات است. به صورت موردی و در قالب مثال می‌توان گفت نیت نماینده مجلس در اظهار نظری که حسب ظاهر شاید متضمن افترا، نشر اکاذیب یا تشویش اذهان عمومی تلقی شود، اصولاً خیرخواهانه و برای اصلاح ساختار اجرایی است و لذا قانون‌گذار با قبول پیش‌فرض حسن نیت در مورد اظهارات نمایندگان و ممانعت از کاهش صراحت اظهار نظر ایشان، تحقق این گونه جرایم را منتفی می‌داند؛ همچنان‌که در سایر کشورها این اعتقاد، وجود دارد (جنتی، بی تا: ۷۳). اصل حسن نیت در رسیدگی کیفری به اتهامات نمایندگان مجلس، بعضاً از سوی مقام‌های قضایی مورد توجه واقع می‌شود؛ برای نمونه، در دادنامه‌ای به شماره ۹۱۰۹۱۰۲۳۰۹۹۷۰۹۸۰ و در جریان رسیدگی به اتهامات آقای م. ص.، نماینده سابق تهران، ری، شمیرانات، اسلامشهر و پردیس در دهمین دوره مجلس شورای اسلامی که در تاریخ ۱۳۹۸/۱۱/۲۷ در شعبه ۱۰۵۷ دادگاه کیفری دو مجتمع قضایی کارکنان دولت در تهران برگزار گردید، در خصوص بخشی از اتهامات وارده به مشارالیه (نشر اکاذیب متعدد و توهین به یک مقام قضایی) چنین نظر داده شد که «دادگاه من حیث‌المجموع، سوءنیت مجرمانه متهم را در بیان مطالب انتسابی احراز ننموده، فلذا به استناد اصل ۳۷ ق. ا. [اصل برائت] و ماده ۱۲۰ ق. م. ا.

۱. مصوب ۲۹ ژوئیه ۱۸۸۱، اصلاحیه ۱۹۵۸.

2. Le nouveau code pénal de France, Reforme en 1992.

مصوّب ۱۳۹۲ [عروض شبهه دارئه] و ماده ۴ ق. ا. د. ک. [اصل برائت و لزوم احترام به کرامت و حیثیت اشخاص] حکم به برائت ایشان صادر و اعلام می‌نماید» (موسوی مجاب، ۱۳۹۹: ۱۱۹). لزوم اثبات محکومیت شخص بر اساس دلایل قطعی و نیز تأکید بر فرض بی‌گناهی متهم در جریان محاکمات کیفری تا جایی است که در کشورهای تابع نظام کامن‌لو، هرگونه تردید در زمینه مضمون بودن فرد در جریان دادرسی، اثبات واقعیت را با مانع روبه‌رو می‌سازد؛ به دیگر سخن، فرض بی‌گناهی متهم در مواجهه مقام قضایی، دایره‌مدار حسن نیت یا عدم احراز سوءنیت است.

طبق اسناد موجود، دادگاه‌های کامن‌لو معنای قضایی حُسن نیت را گسترش داده‌اند و تلاش خود را صرف انطباق حکم با جوانب انصاف و اقتناع وجدان کرده‌اند. در این راستا و در جریان دادرسی، از گذشته اثبات موضوع اتهام بدون هیچ شک و شبهه معقول در کانون توجه واقع می‌شده است. دادگاه رسیدگی‌کننده به حقیقت باید بدون شک معقول، متقاعد شود که متهم خطاکار است؛ لذا هر دادگاه یا دادرسی که این قاعده را کنار گذارد یا تلاش کند که آن را زیر پا نهد، خطر قابل ملاحظه‌ای در زمینه نقض حکم یا تجدیدنظر فراهم می‌سازد. در نظام‌های کامن‌لو، به‌ویژه در کشورهایی همچون انگلستان و آمریکا، اثبات اتهام شخص پیش از صدور حکم محکومیت «بدون هیچ شک معقول»^۱ ضروری است؛ این موضوع به این معنی است که خطاکاری متهم باید بر اساس دلایل و واقعیت‌ها به طور منطقی، متعارف و با «اطمینان مطلق»^۲ از سوی مقام تعقیب یا هیأت منصفه به اثبات برسد. در فرضی که دادرسی یا هیأت منصفه تردیدی در مورد خطاکاری متهم نداشته یا چنانچه شک آنها غیرمنطقی باشد، خطای متهم «ورای شک معقول»^۳ ثابت شده و شخص باید مجرم شناخته شود. بر این پایه می‌توان گفت شک به معنای مصطلح در نظام حقوقی غرب، به مفهوم شبهه در اصطلاح فقهی نزدیک است (موسوی مجاب و همکاران، ۱۳۹۷: ۶۳-۶۲).

لزوم اثبات خطاکاری بدون شک معقول^۴، از اواخر سده هیجدهم و به حکم دادگاه عالی جنایی به سال ۱۷۹۸م. در انگلستان به‌مثابه یک قاعده حقوقی و اخلاقی، شناخته شد و به عنوان معیار استاندارد در جریان رسیدگی کیفری معرفی گردید (Whitman, 2005: 2-6). بر خلاف محاکمات مدنی، هرگونه شک و شبهه در جریان محاکمات کیفری به اعتبار مخاطرات غیرقابل جبران و ناشی از اعمال کیفر سخت همچون مرگ، به نفع متهم تفسیر می‌شود. حتی در فرض توازن احتمالات

1. Without any reasonable doubt
2. Absolut certainty
3. Beyond any reasonable doubt

۴. قاعده یاد شده، از جهاتی با قاعده درآشابهت‌هایی دارد.

مبنی بر براءت و مجرمیت، متهم باید تبرئه شود. به هر رو، شرط محکومیت در یک داری کیفری، وجود دلیل کافی مبنی بر مجرمیت - و نه حدس و گمان - است؛ در غیر این صورت، فرض بی‌گناهی^۱ حاکم است (Woods, 2008: 60-70).

در نظام حقوقی کشور ما نص صریحی در مورد حسن نیت و معیار سنجش آن وجود ندارد. از یک منظر و بر اساس قواعد کلی همچون احسان، ظهور و صحت می‌توان گفت اصل بر حسن نیت است. به همین دلیل است که بسیاری از فقها قول مدعی را حمل بر صحت کرده‌اند و در صورت عدم حضور مدعی علیه، صدور حکم غیابی را جایز دانسته‌اند (نجفی، ۱۴۲۵: ۱۷۷ و ۱۷۸). دادرسی بر اساس مقدمات رفتار فاعل، وضعیت روان‌شناختی وی، جنبه‌های عینی رفتار (اخلاقی و اجتماعی) و نیز حسن فعلی و فاعلی می‌تواند حسن نیت را در شخص شناسایی کند. از باب تقریب مطلب به ذهن می‌توان سنجه‌های تشخیص یا شناسایی حسن نیت متهم را بر اساس ضابطه شخصی یا عینی^۲ در فرایند دادرسی - ضمن تأکید بر نقش مهم و کلیدی دادرسی - در قالب مصادیق پیش‌رو برشمرد: عدم غرض‌ورزی و تلاش برای اطاله دادرسی، عدم تلاش برای طرح دعوی ایدایی، صداقت و اجتناب از خدعه، پرهیز از تقلب و تزویر یا تلاش به منظور فریب یا گمراه‌ساختن قاضی، خودداری از ارائه اسناد مزور یا دلایل واهی و نیز عدم تهدید یا آزار طرف دعوی، و یا تطمیع مقام قضایی یا کارکنان دستگاه قضایی.

در مجموع، حسن نیت دارای سه عنصر صحت، صداقت و عدم خیانت است؛ به این اعتبار کسی که بر اساس حسن نیت اقدام می‌کند، سرزنش‌پذیر نیست. در این زمینه، ضمن مباحث آتی بیشتر به این موضوع اشاره خواهد شد.

۲. گذری بر ماهیت حقوقی و پیشینه اصل حسن نیت در نظام‌های کهن قانون‌گذاری

اصل حسن نیت، از اصول مهم حاکم بر قانون موضوعه است. این اصل، گستره وسیعی از شاخه‌های حقوق ماهوی و شکلی را دربرمی‌گیرد و نقش متفاوتی در هر حوزه ایفا می‌کند. اصل حسن نیت به اعتبار نقش متفاوتی که در عرصه‌های مختلف می‌یابد، از حیث موقعیت و موضوع، برتر از آن است که به گستره معینی محدود شود. در چهارچوب حقوق کیفری ماهوی با رکن روانی جرم و به شکل معین با قصد مرتکب پیوند معناداری می‌یابد. کسی که حسن نیت او ثابت گردد، سوءنیت او منعدم می‌شود. ارتباط اصل حسن نیت با معاذیر قانونی، کیفیات مخففه و اسباب اباحه بر محوریت نظریه استعمال حق غیرقابل اغماض است (لطیف مطشر الزبیدی، ۱۹۹۷: ۳۸۸).

1. Presumption of Innocence
2. Subjective or Objective Test

در قلمرو حقوق شکلی و در جریان دادرسی، حسن نیت به مثابه وسیله تضمین دادرسی منصفانه و مانعی در برابر تضییع حقوق متهمان یا سوءاستفاده فرصت طلبان تلقی می‌شود. در اغلب نظام‌های اروپایی، حسن نیت در حقوق دادرسی سه کارکرد به شرح زیر دارد:

نخست، کارکرد تفسیری و اصولی که بر بسیاری از اصول و قواعد دادرسی از جمله اصل تناظر دعوی متداعیین سایه افکنده و به آن‌ها جهت می‌بخشد؛ دوم، کارکرد تصحیحی، در جهت اصلاح و تعدیل قوانین و مقررات غیرقابل انعطاف؛ سوم، کارکرد تکمیلی به منظور شناسایی حق از باطل توسط دادرس متخصص و باتجربه در فرض سکوت، نقص یا ابهام حکم قانون‌گذار (انصاری و دهقانی، ۱۳۹۶: ۱۳۰-۱۲۲).

به هر رو، اصل حسن نیت از اصول کلی حقوقی مورد اذعان در نظام‌های مترقی حقوقی است و اصلی پذیرفته‌شده و جدایی‌ناپذیر از پیکره نظام دادرسی آن‌ها تلقی می‌شود^۱ و در قوانین داخلی و بین‌المللی مورد تصریح واقع شده است. از نظر دیوان اروپایی حقوق بشر، دادرسی عادلانه شامل کلیه مراحل دادرسی از کشف تا اجرای حکم می‌شود و در نتیجه رعایت اصل حسن نیت نه تنها مرحله محاکمه در دادگاه را شامل می‌شود، بلکه رعایت آن در مراحل پیش از رسیدگی اصلی در دادگاه یعنی مرحله کشف جرم و تحقیقات مقدماتی نیز ضروری است. بر این اساس، هر مرجعی که دارای کارکرد و نقش قضایی باشد، مکلف است در رسیدگی‌های خود تضمینات دادرسی عادلانه را که رعایت اصل حسن نیت از ضروریات آن است اجرا نماید.

اصل مذکور، از اصول مهمی است که مشروعیت رفتار متوقف بر آن است؛ از این جهت، اجل اعمال معتبره در نگاه شرع آن دسته اعمالی است که در پس آن‌ها نیت حسنه باشد. به این اعتبار، حسن نیت، شرط صحت رفتار به شمار می‌رود؛ زیرا مقیاس رفتار انسان است و حتی به مقامی برتر از خود عمل می‌رسد. بر این پایه، پیامبر اکرم (ص) فرموده‌اند: «نِيَّةُ الْمُؤْمِنِ خَيْرٌ مِنْ عَمَلِهِ» (المجلسی، ۱۳۰۳/۶۷: ۱۶۹).

در قوانین برخی کشورها از جمله عراق، قانون‌گذار اصل حسن نیت را در قانون مجازات این کشور^۲ در مواضع متعدد مورد تصریح قرار داده است؛ هرچند میزان صراحت و شفافیت حکم

۱. برابر ماده ۲۲۶۸ قانون مدنی فرانسه: «فرض، همواره بر حسن نیت است و کسی که به سوء نیت استناد می‌کند باید آن را ثابت کند». ماده ۵۲ قانون آیین دادرسی مدنی سوئیس نیز مقرر می‌دارد: «همه کسانی که در دادرسی شرکت می‌کنند، باید بر اساس حسن نیت رفتار کنند».

۲. قانون العقوبات العراقي، رقم ۱۱۱، سنة ۱۹۶۹ المعدل.

قانون‌گذار در همه موارد یکسان نیست. ضمن آنکه در مورد اصل مذکور، از سوی قانون‌گذار تعریفی به دست داده نشده است.

در ارتباط با ریشه تاریخی اصل حسن‌نیت در برخی نظام‌های قانون‌گذاری کهن نیز می‌توان به شواهد خوبی اشاره داشت که از آن جمله سرزمین میان‌رودان (بین‌النهرین) است. این سرزمین که از آن به عنوان گاهواره تمدن یاد می‌شود و ریشه تمدن آن به عصر حجر می‌رسد، در قانون‌نامه‌های مختلف خویش از جمله قانون اورنمو^۱ بر ضرورت و اهمیت پابندی به حسن‌نیت و صدق در پیشگاه قضا تأکید داشته است. این مهم حتی در جریان تمسک به داوری ایزدی (اوردالی) و در فرض نبود دلیل، به منظور اثبات بی‌گناهی متهم لحاظ می‌شد (فوزی، ۱۹۷۸: ۳۳). در قانون لیپیت ایشتار (عشتار)^۲ به ضرورت صداقت، امانت و حسن‌نیت در تعامل با دیگران اشاره شده است. چنانچه برای مقام قضایی خلاف آن ثابت می‌شد، شخص متحمل مسئولیت کیفری و حقوقی می‌شد؛ برای نمونه چنانچه شخصی، دیگری را متهم می‌نمود و در عین حال توان اثبات آن اتهام را نداشت، شخص یاد شده فاقد حسن‌نیت تلقی می‌شد و به دلیل وهن ساحت متهم - غیر از اینکه وقت دستگاه قضایی را ضایع کرده و دعوی واهی مطرح ساخته بود - محکوم شناخته می‌شد. در ماده ۱۷ قانون لیپیت ایشتار آمده است: «چنانچه فردی در جریان دعوا، دیگری را متهم کند و شخص اخیر از این اتهام ناآگاه باشد و مدعی توان اثبات مدعا را نداشته باشد، بر اوست که هر کیفری را بر این اساس متحمل شود؛ چون فاقد حسن‌نیت است». در ماده ۳۹ این قانون نیز چنین مقرر شده است: «اگر شخصی ادعا کند که دختر مرد آزادی که ازدواج نکرده با مردی مضاجعه داشته است، حال آنکه برائت دختر ثابت شود، بر مدعی واجب می‌آید به میزان ده شیکل نقره به دلیل نداشتن حسن‌نیت پردازد» (سلیمان، ۱۹۸۷: ۲۰۴-۲۰۳). در قانون‌نامه حمورابی^۳ که در مقایسه با قانون پیش‌گفته به دلیل

۱. این قانون از مهم‌ترین قوانین کشف شده است که به فرمان اورنمو یا اور-ناما، پادشاه سومری شهر اور در سده‌های بیست و دوم و بیست و یکم پیش از میلاد وضع شد. قانون اورنمو در سال ۱۹۴۷ م. در شهر نمر بر لوح گلی یافت شد و از سی ماده و یک مقدمه و بخش پایانی شکل یافته است (عبدالحسینی، خالد موسی، ۲۰۰۲: ۵۲).
۲. قانون یاد شده به دست پادشاه بلالاما حاکم سرزمین ایشوننا شکل یافت و بالغ بر ۵۰ ماده و شامل یک مقدمه و بخش پایانی - در شئون مختلف زندگی - است (لجنة من الباحثين العراقيين، ۱۹۸۵: ۷۵).
۳. این قانون از نخستین قانون‌نوشته‌های جهان و از مهم‌ترین اکتشافات بشری در تمدن بین‌النهرین به‌شمار می‌رود؛ زیرا اولین قانون کامل و شامل حوزه‌های مختلف حیات بشری است و به دست کاوشگران به شکلی کامل (بدون حذف یا تعدیل) به دست رسید. قانون حمورابی بر روی یک ستون سنگی حک شده و در یک مکان عمومی قرار داده شده بود تا همه بتوانند آن را ببینند (بورث، بی‌تا: ۱).

تمایل حمورابی به بسط قدرت خویش بر سرزمین‌های اطراف سختگیرانه‌تر و صبغه کیفری بارزتری داشته است، در ماده ۲ چنین آمده است: «اگر فردی، دیگری را قذف نماید و قاذب جانب حق را رعایت نکرده باشد، مقدوف به نهر مقدس رفته و در آن غوطه‌ور می‌شود. چنانچه رود وی را فروکشد، خانه او گرفته می‌شود؛ اما چنانچه در امان بماند، مبری است و قاذف کشته می‌شود». در ماده ۳ این قانون نیز چنین آمده است: «اگر فردی در دعوای دروغین شهادت دهد و صحت شهادت وی نزد دادگاه ثابت نشود و موضوع به حیات انسان تعلق یابد، دروغگو به مرگ محکوم می‌شود». از احکام پیش‌گفته آشکار می‌شود که طلب بدی برای دیگری با سوءنیت، محکومیت به عقوبت همان بدی است که خواسته شده است (لطیف مطشر الزبیدی، ۱۹۹۷: ۴۰۲).

در سرزمین مصر یا وادی نیل با تمدنی کهن و عدالت‌محور، مردم بر اساس نیت خویش مورد محاسبه واقع می‌شدند، و نه بر اساس میزان دارایی خویش (محمد عبدالحلیم، ۱۹۹۷: ۲۵۹). در روم، توجه به مقتضیات عدالت، حسن نیت و پرهیز از اغراض دروغین مورد تأکید بوده است و سوءنیت محکومیت به دنبال داشته است (وهیب و حافظ، ۱۹۸۹: ۲۰۲-۱۹۶). در شرایع آسمانی و به‌ویژه در شریعت موسوی (حضرت موسی علیه السلام)، بر ضرورت بهره‌مندی از نیت حسنه نسبت به دیگران، عدم احساس حقد و بغض نسبت به دیگران و نیز حب ایشان تأکید شده است (عبدالفتاح الطبارة، بی‌تا: ۶۵). در شریعت مسیح علیه السلام نیز نیک‌پنداری، تسامح و رحمت مورد تأکید بوده است (شحاتة، ۱۹۸۴: ۱۰). در شریعت اسلام و در قرآن کریم، سنت محموده نبوی و آموزه‌های اسلامی به شکل‌های مختلف بر حسن ظن به خدای متعال، حسن ظن به نظام آفرینش و آفریده‌های حق تعالی، حسن ظن به خود و دیگران، و در یک سخن، ضرورت وجود حسن نیت، مقدم بر هر امری تأکید شده و خداوند، آگاه به اسرار و نیت بندگان معرفی شده است و به تعبیر زیبای قرآن کریم: «اگر آنچه در دل دارید آشکار و یا مخفی کنید، همه را خداوند در محاسبه شما خواهد آورد...» (۱).

در سایه نگاه شرایع آسمانی به اصل حسن نیت و با عنایت به پشتوانه عظیم فکری و دینی در این زمینه، امروزه نقش حسن نیت در نظام‌های مختلف حقوقی و به‌ویژه در قلمرو حقوق کیفری، بیش از پیش آشکار شده است.

۳. حسن نیت در گستره حقوق کیفری و نظریه عمومی جرم

پیش‌تر و حسب اقتضا به موقعیت اصل حسن نیت در امور کیفری اشاره شد. در این مبحث با نگاهی متمرکز و روشن، نقش حسن نیت در حقوق کیفری و گستره طرح بحث در نظریه عمومی جرم

تیین می‌شود.

آنگاه که مفهوم اصطلاحی حسن‌نیت در حقوق کیفری مورد کنکاش واقع می‌شود، عموماً این مفهوم در چهارچوب نظریه عمومی جرم حول محور قصد مجرمانه و در ارتباط با رکن روانی جرم بررسی می‌شود. رکن روانی یا - به تعبیر حقوق‌دانان عرب - رکن نفسانی، در کنار دو رکن قانونی و مادی، ناظر بر پیوند معناداری است که بین مجرم و جرم ارتكابی در نتیجه خودآگاهی و اراده متمیزه برقرار می‌شود (بهنام، ۱۹۷۸: ۱۱ و ۱۲). آگاهی، حالت نفسانی و مرتبط با روان آدمی است و جوهره آن خرد و دانایی نسبت به حقیقت اجزای رکن مادی است. این حالت آن گونه که توصیف می‌شود، در نتیجه فعل و انفعال‌های ذهنی متعدد و مرتبط حاصل می‌شود (عبدالمنعم عبدالله، ۲۰۰۱: ۱۵۰-۱۴۹). از یک نگاه، می‌توان گفت آگاهی به منزله پیوند بین دو واقعه است که یکی (رفتار مجرمانه) در زمان حال و دیگری (نتیجه مجرمانه) در زمان آینده واقع می‌شود. این در حالی است که اراده، پدیده یا کیفیت نفسانی و نیرویی مرکب از اجزای چهارگانه (درک، تدبیر، خواست درونی و اجرا) است که انسان به مدد آن در مقام تأثیر بر محیط اطراف برمی‌آید. از این حیث، اراده از نظر مفهومی ناظر بر عملکرد نفسانی انسان از دو بُعد داخلی و خارجی است. اراده، بدون آگاهی معنا نمی‌یابد و به تعبیری اراده، مرحله تالی آگاهی^۱ است (نجیب حسینی، ۱۹۷۴: ۶۶-۶۵). در این میان، حسن‌نیت در ارتباط با قصد مرتکب و اراده ارتكاب رفتار (اقدام ارادی مبتنی بر حسن‌نیت)، موقعیت ویژه‌ای می‌یابد. در نظریه عمومی جرم، قصد دائر مدار حسن‌نیت یا نقطه مقابل آن، یعنی سوءنیت است. جوهره رکن روانی جرایم عمدی در شکل غالب، تقصیر است و در شکل استثنایی و در ارتباط با جرایم غیرعمدی، قصور^۲ مجال طرح می‌یابد^۳. در تشریح مفهوم تقصیر ممکن نیست به مفهوم

۱. در ادبیات حقوقی کشورهای عرب‌زبان، اصولاً واژه «وَعْي» به معنای بینش یا دانایی، به جای علم (آگاهی) مطرح می‌شود که تفصیل مطلب در این زمینه مقتضی بحث مستقلی است.

۲. در تعریف اصطلاحی این واژه می‌توان گفت قصور، ادراک یک رفتار نه از رهگذر پیش‌بینی نتایج معینه حسب تعریف قانونی جرم، که در نتیجه نقض تعهد در مراقبت و توجه است. از یک منظر، قصور به دو قسم التفاتی و غیرالتفاتی تقسیم می‌شود که تفصیل بحث در این مجال نمی‌گنجد.

۳. در بررسی تطبیقی موضوع، مشاهده می‌شود که دو مفهوم پایه تقصیر و قصور جزایی به عنوان جوهره رکن روانی جرایم عمدی و غیرعمدی در قوانین کیفری بسیاری از کشورها به تصریح یا به تلویح مورد اشاره واقع شده است. همچون ترکیه، در قانون مجازات آلمان، انگلستان، ایالات متحده آمریکا، ایتالیا، چین، اسپانیا، هلند، پرتغال و بلژیک، شکل غالب رفتار ارتكابی بر محوریت تقصیر معنا می‌یابد و شکل استثنایی آن تحت عنوان قصور پذیرفته شده است. در قوانین کیفری، حسن‌نیت در زمره عناصر رکن روانی جرم نیست و حتی در دکتترین حقوقی نیز این مفهوم ذیل عناصر

حسن نیت برخوردار؛ ضمن آنکه این مفهوم، فاقد یک همتای هنجاری در نظریه عمومی جرم است (Yaşar & İçer, 2019: 262-263). با این وجود، به رغم موضع غیرصریح قانونگذار در قبال مفهوم حسن نیت، از تأثیر آن بر تغییر وصف مجرمانه یا تغییر نوع و میزان کیفر رفتار ارتكابی نباید غافل بود. از زاویه دید دیگر، این تأثیر می‌تواند ناشی از شک در وجود سوءنیت باشد. در این زمینه در قوانین کیفری برخی کشورها از جمله ترکیه مقررات متعددی وجود دارد؛ برای نمونه، اشتباه مرتکب در عناصر عینی جرم (اجزای رکن مادی) و اثبات اشتباه وی در این خصوص به رغم ضرورت توجه و مراقبت کافی حسب وظیفه، امکان محاکمه فرد را حسب شرایط مربوط بر اساس «قصور جزایی» و نه تقصیر فراهم می‌سازد. مثال شایان ذکر در این زمینه، اقدام یک شکارچی مینی بر شلیک به یک انسان به تصور هدف قرار دادن یک خرگوش در پس بوته‌هاست. در فرضی که شکارچی باتجربه تصور می‌نموده خرگوشی را شکار کرده، حال آنکه انسان بی‌گناهی را کشته است، اگرچه گفته می‌شود که وی تا زمانی که اطمینان نیافته بوده که هدف او یک حیوان بوده نمی‌بایست اقدام به شلیک می‌کرده است و در هر حال می‌بایست دقت، مراقبت و توجه می‌داشته، اما این قصور و اشتباه در هدف نشان نمی‌دهد که وی عامدانه یا قاصدانه برای قتل اقدام نموده است. بر این اساس، شکارچی در چهارچوب ماده ۳۰/۱ قانون مجازات ترکیه، از خطا و اشتباه خویش (پندار نادرست) برای رهایی از اتهام قتل عمدی بهره می‌گیرد و به موجب حکم مقرر در ماده ۸۱ قانون یاد شده، به کیفر قتل خطئی (مبتنی بر قصور و غفلت) محکوم می‌شود (Yaşar & İçer, 2019: 265). حسن نیت به مثابه یک سازوکار دفاعی در مقام استدلال در پیشگاه مقام قضایی مبنی بر نبود قصد تعدی یا تجاوز از هنجارهای قانونی از سوی مرتکب، امروزه نقش اثرگذاری در فرایند دادرسی کیفری ایفا می‌کند.

در قانون مجازات ترکیه، حسن نیت نه تنها در زمینه تعدیل مجازات یا تغییر وصف رفتار ارتكابی مؤثر است، بلکه در زمینه کاربرد تدابیر تأمینی^۱ و در مقام حکم به مصادره اموال و ضبط دارایی اشخاص مورد توجه دادرس واقع می‌شود. برابر بند ۱ ماده ۵۴ قانون مجازات ترکیه «...اموال آماده شده به منظور استفاده جهت ارتكاب جرم چنانچه نسبت به امنیت یا سلامت عمومی یا اخلاق عمومی مخاطره آمیز باشند، ضبط خواهند شد...». حکم قانونی یاد شده، بازتأکیدی بر ضرورت ملاحظات مقام قضایی در صیانت از حقوق عامه و اقدام بر اساس اصل حسن نیت است.

تحقق اصل حسن نیت، منوط به شرایطی است که از مهم ترین آن‌ها بُعد اخلاقی و کیفری است.

یاد شده لحاظ نمی‌شود (Yaşar & İçer, 2019: 263).

از منظر اخلاقی، نیک‌انگاری و وفای به عهد، دوری از انحراف در استعمال حق، پایبندی به اصل صداقت و احسان، از جمله شرایط تحقق اصل حسن‌نیت است. از منظر حقوقی و به‌ویژه از بُعد کیفری، شرط ضروری تحقق حسن‌نیت، فقدان سوء‌نیت است؛ به این معنی که شخص، خواست درونی در مخالفت با حکم قانون‌گذار نداشته باشد (محمد صفوت، ۱۹۸۶: ۶۵). رکن روانی برای دو جرم عمدی و غیرعمدی ضروری است؛ حسن‌نیت شخص نیز علت زوال وصف مجرمانه از رفتار ارتكابی است؛ ضمن آنکه به تبع تغییر وصف رفتار از عمدی به غیرعمدی، واکنش مربوط تغییر می‌یابد (حسین خلف، بی‌تا: ۳۵۰).

از حیث ماهیت قانونی و گستره طرح بحث در حقوق کیفری ماهوی، به طور مشخص می‌توان گفت اصل حسن‌نیت در سه حوزه به شرح زیر مطمح نظر واقع می‌شود:

۳-۱. توجیه‌پذیری معاذیر قانونی در سایه اصل حسن‌نیت

معاذیر قانونی، خواه معاف‌کننده از کیفر باشند^۱ یا تخفیف‌دهنده کیفر^۲ باشند، جز در فرضی که قانون‌گذار در شرایط خاصی آن‌ها را تعیین می‌کند، عذر تلقی نمی‌شوند. دادگاه به حکم صریح قانون‌گذار باید با بررسی اوضاع و احوال در موارد خاص اقدام نماید. معاذیر معاف‌کننده از کیفر، اسباب و موجباتی هستند که قانون‌گذار نسبت به آن‌ها به صراحت حکم نموده و به اعتبار آن‌ها، مجرم از کیفر مقرر برای جرم به حکم دادگاه و به رغم تحقق جرم و حصول شرایط مسئولیت کیفری معاف می‌شود (البغال، ۱۹۸۲: ۱۱). در نظر قانون‌گذار، اساس این معافیت در منفعتی است که از حیث اجتماعی تحقق یافته و بر جنبه سزادهی فائق است (عبدالرزاق الحدیثی، ۱۹۹۲: ۴۵۱). فرض کلی این است که منفعت اجتماعی، بنیانی است که حق در مجازات به آن مستند می‌شود؛ لیکن این منفعت در شکل ارائه خدمتی است که مجرم به جامعه ارائه می‌دهد و مؤثر در کشف جرم یا شرکای جرم است که مجرم آن‌ها را معرفی می‌کند یا فرایند دستگیری آن‌ها از سوی ضابطان را آسان می‌کند. به این اعتبار، این خدمت نسبت به مخاطره ناشی از جرم مهم‌تر می‌نماید^۳. در اینجاست که معافیت از کیفر شکل تشویق و ترغیب مجرم در عدم تداوم فرایند مجرمانه می‌یابد و به منظور حمایت از جامعه - در برابر زیانی که به واسطه جرم و از سوی مجرم وارد می‌شد و اکنون بیم و مخاطره ناشی از

۱. الأعدار المعفیة

۲. الأعدار المخففة للعقاب

۳. بنگرید به: قانون مجازات عراق، مواد ۵۹، ۱۸۷، ۲۱۸، ۳۰۳ و ۳۱۱، همچنین مواد ۲۷۲، ۳۳۵، ۳۵۴، ۴۵۲ و ۶۵۴ قانون مجازات لبنان و نیز مواد ۲۶۲، ۴۴۲، ۴۶۱، ۴۸۳ و ۵۲۱ قانون مجازات سوریه و مواد ۴۸، ۱۰۷ و ۲۰۵ قانون مجازات مصر.

آن کم اثر شده است - مورد لحاظ واقع می‌شود.^۱ این شکل از معافیت، شخصی است و اثری بر مسئولیت شریک یا شرکای مجرم ندارد.

معاذیر مخفّفه کیفر، آن دسته از شرایط و اوضاع و احوال قانونی خاصی است که از خطرناکی جرم می‌کاهد و میزان مخاطره مرتکب را که مشمول حکم قانونی خاص است کاهش می‌دهد؛ به گونه‌ای که مرتکب بنا به تشخیص دادرس، استحقاق تخفیف مجازات به میزانی کمتر از حداقل قانونی مقرر را می‌یابد (عبدالرزاق الحدیثی، ۱۹۷۹: ۱۰۴). معاذیر (عذرهای) تخفیف‌دهنده مجازات بر دو گونه‌اند:

الف) معاذیر مخفّفه عمومی که شامل همه گونه‌های جرایم یا اغلب آن‌ها می‌شود؛ از جمله انگیزه شرافتمندانه^۲ و ابتدای رفتار بزه‌دیده بر حالت برانگیختگی مخاطره‌آمیز به شکلی غیر محققانه. در سایه انگیزه شرافتمندانه، نیت مرتکب خیر است؛ اگرچه مرتکب از حیث وسیله به خطا افتاده است. لذا جرم واقع شده است، اما حسب نظر قانون‌گذار، مرتکب استحقاق کاهش کیفر را می‌یابد.^۳ در کنار انگیزه شرافتمندانه، «استفزاز» یا چیرگی حالت خشم شکل‌یافته در نفس آدمی در نتیجه رفتار مخاطره‌آمیز مجنی‌علیه - آن هم بدون حق - موجب کاهش مجازات مجرم می‌شود. حالت مذکور موجب عدم سلطه مجرم بر نفس خویش می‌شود و اراده وی ضعیف می‌شود. در کنار انگیزه شرافتمندانه و غلبان غضب ناشی از برآشفتنگی روحی، نقص یا ضعف توان ارادی یا ادراکی نیز به عنوان عذر از سوی قانونگذار عراق و ضمن ماده ۶۰ قانون مجازات این کشور مورد تصریح قرار گرفته است.

ب) معاذیر مخفّفه خاص، ناظر بر آن دسته از معاذیری است که قانون‌گذار آن‌ها را در جرایم محدود و مشخصی مقرر کرده است؛ به گونه‌ای که اثر خود را جز در مورد این جرایم آشکار نمی‌سازند (زکی أبو عامر، ۱۹۸۶: ۵۶۱). از جمله این معاذیر در برخی کشورها همچون عراق می‌توان به رجوع شاهد از شهادت زور یا دروغ (ماده ۲۵۶ قانون مجازات عراق) و نیز آگاه‌سازی نهادهای اداری یا قضایی نسبت به ارتکاب جرم رشاء از سوی راشی یا واسطه تا پیش از پایان فرایند دادرسی کیفری (ماده ۳۱۱ قانون مجازات عراق). شایان ذکر است در اینجا تخفیف مجازات اصلی، اثری بر مجازات تبعی و

۱. برای نمونه، به مواد ۱۰۰ و ۲۱۰ قانون مجازات مصر و نیز ماده ۲۵۸ قانون مجازات عراق، مواد ۳۱۰، ۳۴۷ و ۴۰۹ قانون مجازات لبنان و همچنین ماده ۵۰۳ قانون مجازات سوریه بنگرید.

۲. «الباعثُ الشریف» که در برابر «الباعثُ الدّنی» یا انگیزه پست قرار می‌گیرد.

۳. نک: ماده ۱۲۸/۱ قانون مجازات عراق.

تکمیلی نخواهد داشت و این موضوع بر خلاف معاذیر معافیتی است که مانع حکم به هرگونه کیفری - خواه اصلی، تبعی یا تکمیلی - می‌شوند (عبدالرزاق الحدیثی، ۱۹۹۲: ۴۶۱).

۲-۳. توجیه‌پذیری کیفیات مخففه در سایه اصل حسن نیت

اعطای اختیار قضایی از سوی قانون‌گذار به دادرس در مقام توزین مجازات، از جمله اموری است که امکان صرف‌نظر از آن در قوانین کیفری وجود ندارد. از یک‌سو، قانون‌گذار هرچقدر تلاش نماید، نمی‌تواند به همه فروض و جنبه‌های مخاطره‌آمیز اقدام مرتکب جرم احاطه یابد. از دیگر سو، گاه اقتناع وجدان قضایی در سایه اختیار میزان متناسب و متوازی از مجازات در یک دامنه متغیر حاصل می‌شود؛ به گونه‌ای که قاضی در تنسیق مصالح اجتماعی و فردی، و به منظور تحقق اهداف بایسته نظام سزادهی، اسباب مخففه را در حق مجرم لحاظ می‌کند. در یک تعریف، ظرف‌ها یا کیفیات مخففه آن‌گونه حالت‌های شخصی همراه با جرم یا مجرم است که در اثر وجود آن‌ها دادگاه استنباط می‌کند که می‌تواند در حق مرتکب جرم، کیفر عادلانه و مناسبی اختیار کند (البرزکان، ۱۹۹۰: ۴۴)؛ به دیگر سخن، گاه قانون‌گذار درمی‌یابد که اعمال برخی مجازات‌ها از جمله حبس با وضعیت و شرایط مجرم همگون یا متناسب نیست. در این زمینه، دادگاه سلطه تقدیری یا به تعبیری سلطه تشخیصی دارد.

بنا بر یک تعریف، ظروف یا جهات تخفیف، اسبابی است که به اعتبار آن‌ها دادرس می‌تواند به مجازاتی خفیف‌تر از نوع مقرر یا کمتر از کف تعیین‌شده قانونی حکم نماید. گاه اسباب تخفیف وجوبی (اجباری) به شکل احصاشده قانونی در قالب «معاذیر قانونی» مجال طرح می‌یابد؛ گاه اسباب تخفیف تجویزی (اختیاری) حسب تشخیص و صلاح‌دید دادرس تحت عنوان «جهات مخففه» مطرح می‌شود (عالیه، ۱۹۹۶: ۴۵۵).

از موجبات یا کیفیات تخفیف‌دهنده مجازات کبر سن، ارتکاب جرم برای نخستین‌بار، روابط خانوادگی، شرایط خاص فردی مجرم (زودباوری، سادگی و خوش‌قلبی)، فقدان سابقه، گذشت بزه‌دیده از حقوق شخصی خویش، رضایت بزه‌دیده از مرتکب جرم و درخواست رواداری رأفت قضایی در حق وی است (لطیف مطشر الزبیدی، ۱۹۹۷: ۴۲۰-۴۱۹).

از میان جهات مخففه، آنچه به طور مشخص پیوند حسن نیت و اقدام مرتکب جرم را به ذهن تداعی می‌کند، اسبابی همچون «همکاری مؤثر متهم در شناسایی شرکا یا معاونان، تحصیل ادله یا کشف اموال و اشیای حاصله از جرم یا به کار رفته برای ارتکاب آن»، «وجود انگیزه شرافتمندانه در ارتکاب جرم»، «اعلام متهم قبل از تعقیب یا اقرار مؤثر وی در حین تحقیق و رسیدگی» و نیز

«کوشش متهم به منظور تخفیف آثار جرم یا اقدام وی برای جبران زیان ناشی از آن» است.^۱

۳-۳. توجیه‌پذیری اسباب اباحه رفتار ارتكابی در سایه اصل حسن نیت

اسباب تبریر (اباحه) یا به تعبیری علل موجهه رفتار ارتكابی، آن دسته از موجبات عینی است که به حکم قانون‌گذار و حسب فراهم شدن شرایط قانونی، شخص را از انتساب عنوان مجرمانه تحت لوای استعمال حق مبری می‌سازد. اقدام به دفاع مشروع، اجرای دستور قانونی آمر قانونی و یا اجرای قانون اهم از سوی مأمور، حق تأدیب از سوی ولی یا مربی، حق بر درمان و جراحی ضروری، عملیات ورزشی متعارف و مشروع، بالجمله در پرتو اصل حسن نیت و بدون انحراف یا تجاوز از حدود مقرر قانونی در زمان استفاده از حق، موجب معافیت مرتکب از بار مسئولیت کیفری در قبال رفتار ارتكابی می‌شوند (ممدوح، ۲۰۰۰: ۸۷ به بعد).

آنچه سبب توجیه رفتار مرتکب در پرتو موجبات یاد شده می‌شود، حسن نیت وی در انجام وظیفه است؛ ضمن آنکه از نگاه قانون‌گذار، شخص در چهارچوب استعمال حق خویش اقدام نموده و این حق ریشه در حقوق فطری و طبیعی هر انسانی دارد. اینکه هر حقی در نهایت واجد غایت اجتماعی است و در پرتو مصلحتی توجیه می‌پذیرد، سخن قابل دفاعی است که به طور خاص در گستره اسباب اباحه و در ارتباط با حسن نیت مرتکب در زمان استفاده از حق قابل طرح است (عبدالستار، ۲۰۰۶: ۲۲۶).

۴. تحلیل گونه‌شناختی و سنجه‌شناختی حسن نیت

نظر به ضرورت گونه‌شناسی حسن نیت و نیز سنجه‌های مربوط به آن در مورد استدلال یا توجیه عدم وجود سوءنیت در ارتكاب رفتار، در ذیل و به اختصار به این دو محور مهم اشاره می‌شود.

۴-۱. گونه‌شناسی حسن نیت

حسن نیت در دکتین حقوقی اصولاً تحت لوای دو عنوان، یعنی حسن نیت ذهنی^۲ و حسن نیت عینی^۳ بررسی می‌شود. در تعریف حسن نیت ذهنی گفته می‌شود: «وجود حالت یا وضعیتی در شخص که استفاده از حق خاصی را موجب می‌شود یا آنکه در اثر نبود عناصر بایسته تقصیر، مانع اثبات وجود اندیشه شروانه در وی می‌گردد. گاه سطحی از ناآگاهی یا بدآگاهی می‌تواند در خصوص تعدر شخص توجیه شود و نیک‌پنداری یا خوش‌نیتی وی به بی‌قاعدگی قانونی^۴، ناآگاهی حقوقی فرد^۵ و یا قابلیت پذیرش قانونی جهل یا بدآگاه شدگی^۶ معطوف شود» (Yaşar & İçer,)

۱. نک: بندهای «ب»، «پ»، «ت» و «ج» ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی

2. Subjective good faith

3. Objective

4. The absence of rule/legal irregularity

5. The absence of the legal awareness of the person

6. Legally acceptability of ignorance or to be have misinformed

257: 2019). بنابراین، حسن نیت ذهنی (وابسته به طرز فکر شخص)، شرط لازم برای تحصیل حق از سوی یک شخص یا مانع اکتساب حق ناموجه توسط دیگری می‌شود. قاعدتاً «پیش فرض حسن نیت»^۱ در نظام‌های حقوقی نهادینه شده است. نتیجه پذیرش این فرض آن است که اصل بر حسن نیت شخص است و ادعای وجود سوء نیت باید ثابت شود. فرض یادشده مطلق نیست؛ این فرض اگرچه واجد بُعد حمایتی است، اما در مواردی - حتی نسبت به فرد ناآگاه به وجود اشتباه در سند ثبت شده و در فرض ارائه یا تکیه بر آن با حسن نیت، از سوی مدعی عدم وجود حق واقعی^۲ - می‌تواند رد شود (Hatemi, 2017: 187).

اما حسن نیت عینی، راجع به تحصیل حق نیست؛ بلکه در مقام اثبات حق و حسب ظواهر امر، در جهت اعمال حق مکتسب مورد لحاظ واقع می‌شود. از این منظر، حسن نیت در پرتو قاعده صداقت^۳ این گونه تبیین می‌شود که اشخاص ملزم‌اند به گونه‌ای رفتار کنند که رفتار ایشان موافق معیارهای منطقی، معقول و مورد انتظار از یک فرد درستکار و اخلاق‌مند (در حدود متعارف اجتماعی) و در سایه اهداف قانونی در روابط حقوقی مشابه باشد. در تعیین این موضوع که آیا این رفتار منطبق بر قاعده صداقت است یا خیر، معیارهای اخلاقی غالب در جامعه و نیز عملکرد عرفی و معمول ملحوظ می‌شود. نقض قاعده یادشده، سوءاستفاده آشکار از حق تلقی می‌شود و شخص مورد حمایت قانون‌گذار نخواهد بود^۴ (Yaşar & Içer, 2019: 258-259). به نظر می‌رسد توجه به وضعیت فکری و روان‌شناختی شخص و نیز جنبه‌های عینی و متظاهر رفتار وی (حُسن فعلی و حُسن فاعلی) در چهارچوب ضابطه ذهنی و عینی، ضروری است.

۲-۴. سنجه‌های حسن نیت

تردیدی نیست چنانچه در زمان استعمال حق، از حدود تعریف شده تجاوزی صورت پذیرد، حسن نیت ملحوظ از سوی شارع مقدس یا شارع عرفی در جعل حکم راجع به معافیت کیفری برخی از افراد در قالب اسباب اباحه رفتار به چالش کشیده می‌شود؛ برای نمونه در جریان انجام عملیات ورزشی، خروج ورزشکار از حدود متعارف و ایراد ضربه به منظور انتقام یا فرونشاندن خشم ناشی از رقیب یا خروج مربی از حدود تربیتی، حسن نیت فرد را به سوء نیت مبدل می‌نماید (نجیب حسنی، ۱۹۶۲: ۹۰). در نمونه‌های یاد شده، معیار یا سنجه مصلحت مشروع در زمان استعمال حق از سوی

1. Presumption of good faith
2. Real Right
3. The Rule of Honesty

۴. در این زمینه بنگرید به ماده ۲ قانون مدنی ترکیه.

مرتکب، قابل استناد یا استدلال نخواهد بود (حسین الخلف، بی تا: ۲۵۹).

طرح سنجۀ غایت اجتماعی نیز به دلیل نقد وارد بر سنجۀ مصلحت مشروع مطرح گردیده است. طرفداران این سنجه معتقدند حق‌ها بالجمله غایی‌اند و قانون‌گذار به منظور تحقق غایتی معین آن‌ها را جعل کرده است؛ حسن نیت یا سوء نیت به نحوه اندیشه فرد نسبت به رفتار مباح و مورد اراده قانون‌گذار باز می‌گردد. چنانچه آشکار شود غایت مطلوب فرد چیزی جز آنچه مطلوب و منظور قانون‌گذار بوده است، در این صورت شخص فاقد حسن نیت و در نتیجه واجد سوء نیت شناخته می‌شود. بی‌توجهی به غایت اجتماعی، بی‌توجهی به غایت قانون‌گذار را در پی دارد (فخری عبدالرزاق الحدیثی، ۲۰۰۵: ۶۱)؛ برای نمونه، تجویز تربیت فرزند از سوی والدین یا معلم نسبت به دانش‌آموز، در پرتو غایت رشد اخلاقی و تهذیب نفس شکل یافته است و چنانچه به منظور تحقیر، تزییل یا توهین انجام شود، رفتار وصف مجرمانه به خود می‌گیرد. البته از سوی مخالفان، نقدهای زیادی بر سنجۀ اخیر وارد شده است؛ از آن جمله اینکه دامنه این سنجه گسترده و در عین حال تفسیرپذیر است. ضمن آنکه این سنجه قواعد ثابت و روشنی ندارد و در مجموع دقیق نیست (لطیف مطهر الزبیدی، ۱۹۹۷: ۱۸). بدیهی است شرح بیشتر این مطلب و پاسخ طرفداران در جای خود قابل توجه است، ولی تفصیل بحث در این پژوهش نمی‌گنجد.

نتیجه

برخلاف حوزه‌هایی همچون حقوق خصوصی و تجارت بین‌المللی، حسن نیت مقوله‌ای کمتر شناخته شده در ادبیات حقوق کیفری است. با آنکه بنیان دادرسی کیفری و آغاز فرایند مربوط بر محوریت اصل حسن نیت شکل می‌پذیرد، اما موقعیت این اصل و نقش سازنده آن در جریان دادرسی و حفظ حقوق اتهامی به درستی شناخته نشده است.

حسن نیت هم در اندیشه متهمان و هم در نگاه کنشگران نظام عدالت کیفری به‌ویژه مقام‌های قضایی به قضایا از نقش اثرگذاری برخوردار است. تبریۀ بسیاری از متهمان و معافیت کلی یا نسبی از کیفر بسیاری از کسانی که تحت لوای عناوین مجرمانه محکومیت می‌یابند، با اثبات حسن نیت ایشان امکان‌پذیر می‌شود؛ چه، حسن نیت نقطه مقابل سوء نیت و دایر مدار انتفای قصد مجرمانه است. توجیه چرایی تعدیل یا تغییر بار مسئولیت در حوزه‌های مختلفی از حقوق کیفری از جمله اسباب اباحه، کیفیات مخففه و معاذیر قانونی عمدتاً در پرتو اصل حسن نیت شکل می‌پذیرد. توجیه چرایی صدور قرارهای تأمینی ثقیل یا فراروی از مجازات حدقلی و اختیار مجازات حداکثری، اصولاً با لحاظ حسن نیت مقام قضایی در رسیدگی به پرونده معنا می‌یابد. به این اعتبار، موقعیت حسن نیت در جریان دادرسی کیفری را هم در ارتباط با متهم و هم دادرسی می‌توان مورد کنکاش قرار داد.

اگرچه حسن نیت فاقد همتای هنجاری در قوانین کیفری است، با این وجود و به رغم عدم تصریح قانون‌گذار کیفری به آن در ایران، بر اساس دکترین حقوقی موقعیت خود را در دادرسی‌های کیفری تا حدی حفظ کرده است. توجه مقام قضایی به اصل حسن نیت در هر مرحله از فرایند کیفری، نقش مهمی در سرنوشت پرونده خواهد داشت. تصمیم قضایی در قالب صدور قرار یا صدور حکم، در سایه اصل حسن نیت شکل متمایزی می‌یابد.

امروزه، مدیریت‌گرایی کیفری صرف و نگاه سیستمی به فرایند کیفری مورد انتقاد واقع شده است. به چالش کشیده شدن فرض برائت و اصل حسن نیت در برخی حوزه‌ها از جمله جرایم ضد امنیت ملی تحت لوای دکترین حقوق کیفری دشمن‌مدار، از دغدغه‌های جدی حاضر است. تأثیر کلیشه‌های ذهنی بر اندیشه مقام قضایی، عوام‌گرایی کیفری، بازنمایی‌های رسانه‌ای و اعمال نفوذ قضایی، از موانع پیش‌روی شناسایی موقعیت اصل حسن نیت در جریان دادرسی است. حتی کاربست نهادهای ارفاقی در حق متهمان، منوط به نیک‌انگاری دادرس در تعیین مجازات است.

در مجموع باید گفت کوتاهی قانون‌گذار در شناسایی و تصدیق موقعیت اصل حسن نیت در قوانین و مقررات کیفری و همچنین عدم اشاره به سنجه‌های تشخیص یا احراز حسن نیت موجب شده که عمده توجهات به سوء نیت و تلاش در اثبات آن معطوف شود. با کمی تدقیق در ادله تفصیلی و متون اسلامی، به منابع و مطالب ژرفی در خصوص اصل حسن نیت می‌توان دست یافت که از حیث دیرینگی و جامعیت، قابل مقایسه با داشته‌ها و یافته‌های کشورهای غربی نیستند؛ لذا علاوه بر غیرقابل پذیرش بودن قصور قانون‌گذار، عقب‌ماندگی ادبیات حقوق کیفری کشور ما از بسیاری کشورها در زمینه بحث حاضر نیز توجیه‌پذیر نیست.

منابع

فارسی

- آزمایش، علی (نیم‌سال دوم تحصیلی ۱۳۸۰-۸۱)، تقریرات حقوق کیفری بین‌المللی، دانشکده حقوق دانشگاه تهران.
- الماسی، مسعود و احمد واعظی (۱۴۰۱)، «پوزیتیویسم حقوقی در نظام قضایی ایران؛ برابند تعاملی فرمالیسم حقوقی و نص‌گرایی قانونی»، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۶، ش ۱۱۷.
- انصاری، علی (۱۳۸۴)، حسن نیت در حقوق ایران و فرانسه، رساله دوره دکتری رشته حقوق خصوصی، دانشگاه شهید بهشتی.
- انصاری، علی و حسین دهقانی (۱۳۹۶)، «حسن نیت در حقوق دادرسی»، دوفصلنامه حقوق اداری، سال چهارم، ش ۱۲.
- جنتی، حمید (بی‌تا)، «مصونیت پارلمانی»، مجله کانون وکلای دادگستری مرکز، دوره جدید، شماره ۶، شماره پیاپی ۱۷.
- حیاتی، علی‌عباس (۱۳۹۷)، مفهوم «اصل حقوقی» و مقایسه آن با «قاعده حقوقی» (مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و فرانسه)، دوفصلنامه دانش حقوق مدنی، دوره ۷، ش ۲.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۶)، لغتنامه، ج ۶، تهران: دانشگاه تهران.
- سمائی، مهدی و محمدجعفر حبیب‌زاده و رحیم نوبهار (۱۴۰۱)، «قاضی فضیلت‌مند؛ سهم فضیلت‌گرایی در نظریه قضاوت»، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۶، ش ۱۱۸.
- قاسمی کهریزسنگی، راضیه (۱۳۹۴)، مدیریت‌گرایی در فرابند کیفری ایران: بسترهای ظهور، پیامدها و چالش‌ها، رساله دوره دکتری رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس.
- قانون مجازات اسلامی در آرای دیوان عالی کشور (۱۳۷۹)، گردآورنده: مصلاحی، علیرضا، ج ۱، تهران: نشر دبستان.
- موسوی مجاب، سیددرید و محمدجعفر حبیب‌زاده (۱۳۹۹)، بررسی تحلیلی و تطبیقی مصونیت پارلمانی از منظر حقوق کیفری، چاپ ۱، تهران: انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.
- موسوی مجاب، سیددرید و محمدجعفر حبیب‌زاده و عرفان خرمی عراقی (۱۳۷۹)، «کاوشی در بایسته‌های اعمال قاعده در اجرای مجازات از منظر فقه جزایی و حقوق موضوعه»، فصلنامه پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۲۲، ش ۳.

عربی

- ابن منظور، جمال‌الدین محمدبن مکرم (۱۹۶۸)، معجم لسان العرب، ج ۱۳، بیروت: دار صادر للطباعة.
- البرزکان، عبدالستار (۱۹۹۰)، «العدر القانوني والظرف القضائي»، مجلة القضاء، العراق: تصدرها نقابة المحامين، العدد ۱، ۱۹۹۰.
- البغال، السيد حسن (۱۹۸۲)، الظروف المشددة والمخففة في قانون العقوبات فقهاً وقضاءاً، القاهرة: دار الفكر العربي.
- بورت، دیلا (بدون سنة طبع)، بلاد ما بين النهرين الحضارتان البابلية والآشورية، ترجمة محرم كمال، مصر:

دارالثقافة العامة.

- بهنام، رمسيس (١٩٧٨)، النظرية العامة للقانون الجنائي، دون رقم طبعة، القاهرة: دار النهضة العربية.
- حسين الخلف، على وعبدالقادر الشاوي، سلطان (بدون سنة طبع)، المبادئ العامة في قانون العقوبات، بغداد: المكتبة الوطنية.
- رشيد، فوزي (١٩٨٧)، الشرائع العراقية القديمة، ط٣، بغداد: دار الشؤون الثقافية العامة.
- زكي أبو عامر، محمّد (١٩٨٦)، قانون العقوبات: القسم العام، الإسكندرية: دار المطبوعات الجامعية.
- سليمان، عامر (١٩٨٧)، القانون في العراق القديم، ط٢، بغداد: دار الثقافة للشؤون العامة.
- شحاتة، جورج (١٩٨٤)، المسيحية والحضارة العربية، بيروت: المؤسسة العربية للدراسات والنشر.
- عالية، سمير (١٩٩٦)، أصول قانون العقوبات (القسم العام)، دراسة مقارنة، ط١، بيروت: المؤسسة الجامعية للدراسات والنشر والتوزيع.
- عبدالحسيني، خالد موسى (٢٠٠٢)، القانون وإدارة الدولة في وادي الرافدين، أطروحة الدكتوراه مقدّمة إلى كلية الآداب بجامعة بغداد.
- عبدالرزاق الحديثي، فخرى (١٩٩٢)، شرح قانون العقوبات: القسم العام، بغداد: المكتبة القانونية.
- عبدالرزاق الحديثي، فخرى (١٩٧٩)، الأعداء القانونية المخفّفه للعقوبة، بغداد: المكتبة الوطنية.
- عبدالفتاح الطيارة، عفيف (بدون سنة طبع)، اليهود في القرآن، ط١، إيران: مطبعة الأمير.
- عبدالأمير مظلوم الخزرجي، رغد (٢٠١٤)، «مبدأ حُسن النية في تنفيذ المعاهدات الدولية»، عراق: مجلة الديالي، العدد الرابع والستون.
- عبدالستار، فوزية (٢٠٠٦)، القانون الجنائي العام، ط١، القاهرة: دار النهضة العربية.
- عبدالمنعم عبدالله، فراس (٢٠٠١)، القصد الجنائي الإجمالي، دراسة مقارنة، رسالة دكتوراه مقدّمة إلى مجلس كلية القانون، جامعة بغداد.
- عزمي، ممدوح (٢٠٠٠)، دراسة عملية في أسباب الإباحة وموانع العقاب، القاهرة: دار الفكر الجامعي.
- غالب، حنا (٢٠٠٣)، كنز اللغة العربية، ط٢، مكتبة لبنان: بيروت.
- فخرى عبدالرزاق الحديثي، عمر (٢٠٠٥)، تجريم التعسّف في استعمال الحق بوصفه سبباً من أسباب الإباحة، أطروحة الدكتوراه، مقدّمة إلى كلية القانون بجامعة بغداد.
- كورتو، جيرار (١٩٩٨)، مُعجم المصطلحات القانونية، ترجمة منصور القاضي، ط١، بيروت: المؤسسة الجامعية.
- لجنة من الباحثين العراقيين (١٩٨٥)، حضارة العراق، ج٢، بغداد: دار الحرية للطباعة.
- لطيف مطشّر الزبيدي، دلال (٢٠٠٩)، مبدأ حُسن النية وأثره في العقاب: دراسة مقارنة، رسالة مقدّمة إلى مجلس كلية القانون جامعة بابل وهي جزء من متطلبات درجة الماجستير في القانون العام، بإشراف الدكتور محمّدعلي سالم، جمهورية العراق: وزارة التعليم العالي والبحث العلمي، جامعة بابل، كلية القانون.
- لطيف مطشّر الزبيدي، دلال (١٩٩٧)، «الطبيعية القانونية لمبدأ حسن النية في نصوص قانون العقوبات، دراسة مقارنة»، مجلة الكلية الإسلامية الجامعة، العدد ٥٠، الجزء ٢.
- المجلسي، محمّدباقر (٢٠٠٣)، بحار الأنوار، الجزء السابع والستون، بيروت: دار إحياء التراث العربي.

- محمّد عبدالحلیم، نبیلة (۱۹۹۷)، *مَعالم التاريخ المصرى والحضارى فى مصر الفرعونية، الإسكندرية: مطبعة منشأة المعارف.*
- محمّد صفوت، صفیه (۱۹۸۶)، *القصد الجنائى والمسؤولية المطلقة، ط ۱، بیروت: مطبعة دارین الزیدون.*
- النجفی، محمّد حسن (۱۴۲۵هـ)، *جواهر الكلام فى شرح شرائع الإسلام، المجلّد الرابع، الإصدار الثانى، قم: البرمجیّات الفقهيّة «المُعجم».*
- وهیب، آدم و حافظ، هاشم (۱۹۸۹)، *تاريخ القانون، ط ۱، بغداد: المكتبة الوطنية.*
- نجیب حسنى، محمود (۱۹۷۴)، *النظرية العامة للقصد الجنائى، ط ۲، القاهرة: دون اسم المطبعة.*
- نجیب حسنى، محمود (۱۹۶۲)، *أسباب الإباحة فى التشريعات العربية، القاهرة: دون اسم المطبعة.*

انگلیسی

- Knight, Charlotte, Phillips, Jake and Chapman, Tim (2016), "Bringing the feelings back: Returning Emotions to Criminal Justice Practice", **British Journal of Community Justice**, 14 (1).
- Nils Herlitz, Georg (1994), "The Meaning of the Term Prima Facie", **Louisiana Law Review**, Vol. 55, No. 2.
- Treitel, Guenter Heinz (2003), **The Law of Contract**, 3th ed., London: Sweet & Maxwell.
- Yaşar, Yusuf and Zafer, İçer (2019), "The Concept of *Good Faith* in Criminal Law", **Ceza Hukuku ve Kriminoloji Dergisi-Journal of Penal Law and Criminology**, Istanbul University Press, Vol. 7, No. 2..
- Campbell Black, Henry (1990), **Black's Law Dictionary**, 6th ed., U.S.A, West Publishing Co.
- Hatemi, Hüseyin (2017), **Medeni Hukuka Giriş**, İstanbul, On İki Levha Yayıncılık.
- Whitman, James Q.; *the Origins of "Reasonable Doubt"*, Yale Law School Legal Scholarship Repository, 3-1, 2003.
- Woods, John (2008), "Beyond Reasonable Doubt: An Abductive Dilemma in Criminal Law", **Informal Logic**, Vol. 28, No. 1.